

مطالعه موانع توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

انوش جعفری^۱، حمیده قنبری^۲

چکیده

کشور ایران به‌رغم برخورداری از یک غنای منابع طبیعی و دسترسی به منابع معدنی نفت و گاز، هنوز از نظر اقتصادی در زمره کشورهای توسعه‌یافته جهان به‌شمار نمی‌آید. تصویر تجارت خارجی و به‌ویژه صنعت نفت ایران، این نکته را می‌نماید که تا علت توسعه‌نیافتگی مشخص و راه صحیح انتخاب نشود، هرگونه گشایشی در واردات، توسعه‌نیافتگی را عمیق‌تر می‌کند. تأثیر اقتصاد غیررسمی را نیز می‌توان در وابستگی شدید به رانت‌های دولتی، به‌عنوان منبع اصلی درآمد مشاهده کرد. این وضعیت به نوبه خود مانع ظهور کشورهایی با توسعه پایدار شده و دولت و ملت نمی‌توانند در فعالیتهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به درستی سهیم شده و یا حتی ملت نمی‌تواند دولت را در تنظیم حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیف مورد سوال قرار دهد و مادامی که درآمدهای نفتی ادامه دارد، دولت‌ها تنها به آن دسته از تقاضاهای مردم پاسخ خواهند داد که برای حفظ قدرت و موقعیت‌شان ضروری باشد. در حالی که توسعه اقتصادی از طریق ثروت نفت، می‌تواند به‌عنوان پیش‌درآمدی برای توسعه سیاسی، اجتماعی و نهادسازی برای جامعه‌ای دموکراتیک باشد. در این مقاله سوال اصلی موانع توسعه اقتصادی ایران کدام‌اند، و فرضیه آن ساختارهای اقتصادی، نفتی بودن چرخه تولید، فقدان سرمایه‌گذاری مولد از موانع اساسی توسعه اقتصادی ایران می‌باشد.

واژگان کلیدی: توسعه، اقتصاد، رانت‌خواری، درآمدهای نفتی، اقتصاد غیررسمی.

^۱ استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس (نویسنده مسئول)

^۲ کارشناسی‌ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس

مقدمه

ابتدایی‌ترین شرایط توسعه اقتصادی ایجاد یک دستگاه صحیح و صالح و منظم اداری و تربیت گروهی نخبگان اجتماع است که قادر به گرداندن چرخ‌های کشور باشند سپس باید توده‌های مردم را بیدار کرد تا در کادر توسعه اقتصادی شریک و سهیم باشند و روش‌های جدید علمی و فنی را بپذیرند. یکی از تحولاتی که توسعه را تقویت می‌کند به هم پیوستگی و توسعه بازارها، تولیدکنندگان و سیستم پولی در داخل یک کشور علاقه‌مند به توسعه است. شبکه ارتباطات، حمل و نقل، ایجاد مناطق تجاری و صنعتی، بندرها و ... ارکانی هستند که به توسعه جمعی و چندبعدی یک جامعه، کمک می‌کند. به عبارت دیگر، فقدان این ارکان، توسعه را مختل کرده و کارایی آن را به تأخیر می‌اندازد.

توسعه و رویکردهای مختلف نسبت به آن

توسعه که در لغت‌نامه دهخدا به معنای فراخی کردن و وسعت آمده است، مفهومی است که حداقل دو بعد طول و عرض را در بر می‌گیرد توسعه ابتدا به معنی توسعه مادی و اقتصادی و در حوزه علم اقتصاد بکار رفته است (بئک، ۱۳۷۰: ۳۶). توسعه مقوله‌ای چندوجهی و به عبارتی چندسببی است بطوریکه اضلاع توسعه می‌تواند اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... باشند. به تدریج برای دیگر جنبه‌های مرتبط با حیات اجتماعی، همچون انسان، فرهنگ، سیاست، هنر، عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. توسعه دلالت بر تکامل اجتماعی تاریخی دارد و تکامل اجتماعی نیز قانونمند است، از اینرو بدون شناخت قوانین تکامل تاریخی جوامع، امکان گام نهادن در راه تحقق توسعه نیز

در بررسی زیرساخت‌های اقتصادی ایران از آنجائیکه سال - های متمادی اقتصاد، اجتماع و سیاست مهمان لوله‌های نفتی بوده است، این امر سبب شده که ساختار بروکراتیک و عرصه اشتغال در دستان حکومت مرکزی و فربه‌ی قدرت از قبل درآمدهای رانتی به فقدان سازمان‌های متمرکز توسعه - نیافته، غیرشفاف و عدم پاسخگو کمک کرده است این امر به سیاست‌زدگی حکومت‌ها در تمام عرصه‌ها منجر شده است. مردم در فضای سیاست‌زدگی خود را از تصمیمات حکومت دور می‌کنند، به عبارتی بر این باور می‌شوند در مدار قدرت نقش چندانی ندارند بطوریکه نه تنها نتوانسته‌اند در تصمیمات حکومتی براساس سیاست‌زدگی حکومت موثر باشند، بلکه از فرآیند ساخت سیاسی دوری می‌جویند. درآمدهای نفتی در خلال سال‌های متمادی عرصه خلاقیت و نوآوری را از شیوه‌های تولید آنها گرفته است در کشورهای موردنظر اقتصاد دولتی به یکی از چالش‌های اساسی رشد منجر گردیده است. نفت می‌توانست عامل مثبتی برای توسعه کشورهای نفت‌خیز باشد، ولی عملاً به دلیل دولتی بودن اقتصاد ما بر بیماری اقتصاد افزوده است. توسعه اقتصادی را باید جریانی چندبعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است، توسعه باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد در داخل نظام، از حالت نامطلوب گذشته خارج شده و به سوی حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتر است سوق می‌یابد.



فراهم نمی‌آید (اطهاری، ۱۳۸۹: ۴۳). بارزترین برداشت از مفهوم توسعه، در تئوری‌ها و شاخص‌های توسعه اقتصادی تعریف شده است که مؤلفه‌هایی چون افزایش درآمد، رشد سرمایه‌گذاری خارجی، بهبود درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی، افزایش اشتغال و مسائلی از این دست را از ویژگی‌های آن می‌دانند. اما در واقع توسعه فرآیندی پایدار، سیستماتیک، هماهنگ، خلاق و جامع در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است و به تعبیری توسعه مشمول کلیه کنش‌هایی است که به منظور سوق دادن جامعه به سوی تحقق مجموعه، گی‌روشه‌ای منظم از شرایط زندگی فردی و جمعی صورت گرفته و در زمینه برخی ارزش‌ها مطلوب تشخیص داده شده است (روشه، ۱۳۸۳: ۱۶۵). توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عموم مردم است. در فراگرد توسعه ابعاد کیفی اساسی وجود دارد که فراتر از رشد یا گسترش یک اقتصاد از طریق فراگرد ساده توسعه است (میرزاوند، ۱۳۸۷: ۳۵). وقتی ما گذار از رشد به توسعه را انجام می‌دهیم هدف اساسی توسعه آن است که بر حوزه‌های اقتصاد سیاسی تأثیر مستقیم بگذارد یعنی آنکه در محیط توسعه‌یافته موزون افراد، اولاً قدرت انتخاب داشته باشند و بر این اساس آزادی‌های عمومی نهادینه شده و به تبع آن فرآیند اقتصاد تولیدمحور مبتنی بر دانش شکل گرفته باشد بر این اساس توسعه محصول خوددموکراتیک و خودتکنوکراتیک می‌باشد. در بررسی اولیه ما با حوزه‌های انتخاب و گسترش آزادی‌های مدنی و در مرحله ثانویه با تولید مبتنی بر کیفیت اقتصادی ارتباط

داریم بطورکلی می‌توان گفت که توسعه یعنی استاندارد شدن دو گستره سیاسی اقتصادی در پویای تحولات داخلی و بین‌المللی است، وقتی از استاندارد در خروجی توسعه سخن به میان می‌آوریم یعنی نظامات سیاسی اقتصادی از یک فضای سیستم‌سازی برخوردار می‌باشند که در رأس آن تصمیمات عقلایی قانونی قرار دارد (برگرفته از جزوات و مباحث کارشناسی‌ارشد دکتر انوش جعفری). روستو از پنج مرحله توسعه صحبت می‌کند و عقیده دارد که جوامع عقب‌مانده در اثر گذشت زمان، هریک از مراحل را پشت سر خواهند گذاشت و بالاخره به مرحله توسعه خواهند رسید. روستو در نظریه پنج مرحله‌ای خود بیان می‌دارد که جوامع سنتی برای اینکه به درجه‌ای از توسعه دست یابند باید شرایط مقدماتی مرحله خیز را که جوامع صنعتی در قرن هجدهم از آن گذشته‌اند، فراهم نموده و با گذشتن از مرحله خیز به سطح جوامع صنعتی، یعنی به مرحله بلوغ و سپس مرحله عصر مصرف انبوه برسند. در یک دیدگاه نظریه‌پردازان سه مرحله را مشخص می‌کنند که این مراحل در پیشرفت اجتماعی، اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و همچنین در پیدایش و گسترش توسعه‌نیافتگی کشورهای فقیر نقش اساسی ایفا کرده‌اند. براساس این دیدگاه، فرآیند تاریخی توسعه اقتصادی در سه مرحله انجام گرفته که بواسطه آن تغییرات بنیادی در سطح جهان رخ داده و منجر به پیدایش دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته گشته است. این مراحل عبارتند از: مرحله تجمع یا تراکم اولیه سرمایه، مرحله صدور کالا، مرحله صدور سرمایه (موسوی‌جهرمی، ۱۳۸۷: ۳۲).

استراتژی‌های توسعه

استراتژی صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات

می‌شود که برقراری عدالت بین نسل‌ها در زمانه‌ای که حتی بعضی از گروه‌های اجتماعی، سعادت و خوشبختی دیگران را در حال حاضر نیز نادیده می‌گیرند، غیرممکن است. توسعه پایدار زمانی مبتنی بر توازن و برابری خوانده می‌شود که بتواند علایق گروه‌های مختلف مردم را در نسل حاضر و آتی در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مدنظر قرار دهد. بنابراین توسعه پایدار درباره برابری و تساوی فرصت در دستیابی همگان به تعالی و تحقق جامع اهداف است (سوبوتینا، ۱۳۹۰: ۲۴-۲۳).

این استراتژی در دهه ۱۳۳۰ میلادی و اوایل دهه ۱۳۳۱ مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان کشورهای توسعه‌نیافته کالاهای مصرفی موردنیاز را از کشورهای توسعه‌یافته وارد می‌کردند، بنابراین با اتخاذ چنین راهبردی سعی بر آن داشتند تا کالاهای مصرفی را در داخل تولید و به واردات چنین کالاهایی پایان دهند.

استراتژی صنعتی شدن از طریق توسعه صادرات

بزرگ بودن دولت

دولت تصدی بسیاری از کارهای اقتصادی را در اختیار خویش دارد. از طرفی صاحب بخش بزرگی از منابع مصرف کننده آن است. لذا در بخش خصوصی این احساس بوجود آمده که همواره یک رقیب قدرتمند که صاحب اختیارات و اقتدار وسیع است در مقابل او قرار دارد و می‌تواند با او به صورت ناسالم رقابت نماید. بزرگ بودن دولت باعث ضعیف شدن در سیاست‌گذاری، ایفای وظایف حکومتی، اعمال نظارت موثر و افزایش فساد می‌شود. این ضعف باعث می‌گردد چشم‌انداز آینده سرمایه‌گذاری در کشور برای سرمایه‌گذار نامشخص باشد و او نتواند تصمیمات درستی اتخاذ نماید. حتی اگر یک سرمایه‌گذار با پذیرش تمام این ریسک‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری کند، به خاطر ضعف سیاست‌گذاری دولت در حمایت از تولید و متزلزل بودن سیاست‌گذاری‌ها و محترم شمرده نشدن قراردادهای نهائماً سرمایه‌گذار بعد از چند صباحی محکوم به ورشکستگی است (مظفری‌خامنه‌ب، ۱۳۸۹: ۳۵).

استراتژی توسعه صادرات در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۳۱ توسط اقتصاددانانی چون کیون تراس، مانیت و موسساتی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به کشورهای توسعه‌نیافته تجویز شد. اصل مزیت نسبی مبنای تئوریک این استراتژی را بوجود آورده است. براساس این اصل عوامل تولید می‌بایست به تولید کالاهایی اختصاص یابد که هزینه تولید آن کمتر است، تا با قیمت نازلتری به بازار عرضه شود. تکیه هرچه بیشتر بر بخش خصوصی و تشویق آن، فقدان محدودیت برای ورود و خروج سرمایه‌های داخلی و خارجی و نقش محدود دولت از ویژگی‌های نظام بازار می‌باشد که اجزاء متشکله این استراتژی است (دینی، ۱۳۷۰: ۷۶-۷۸).

توسعه پایدار

براساس تعریف کلاسیک کمیسیون سازمان ادرصد محیط‌زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ توسعه‌ای پایدار است که بتواند ضمن رفع نیازهای فعلی، به توانایی نسل آینده در رفع نیازهای خود صدمه‌ای وارد نسازد. معمولاً برداشت



وجود رانت‌ها و رقابت بخش‌های دولتی، شبه-دولتی و خصوصی

هر سال دولت در قانون بودجه جهت افزایش اشتغال، محرومیت‌زدایی، افزایش تولید و ... اقدام به پرداخت تسهیلات اعتباری با نرخ‌های بهره کم می‌نماید. در آئین‌نامه اجرای پرداخت اینگونه تسهیلات اشاره‌ای به دستگاه‌های نظارتی نشده است. به علت وجود روابط در اعطای این تسهیلات، معمولاً افراد فرصت‌طلب به دریافت اعتبارات بانکی برای مصرف در بخش‌های غیرمولد و تورم‌زا توفیق می‌یابند. علاوه بر آن حضور دولت (به صورت مداخله-گرایانه) در اقتصاد موجب شده است که شرکت‌های دولتی در متن اقتصاد و در رقابت با بخش خصوصی، موجب تخصیص اعتبارات به خود اثر بگذارند و عملاً فرصت بخش خصوصی را در توسعه فعالیت و حضور در بازار محدود سازد. در حال حاضر نه تنها پیشگیری‌های قانونی برای جلوگیری از پرداخت این نوع تسهیلات اعتباری صورت نگرفته، بلکه به علت عدم انضباط مالی موجب تشدید تورم گردیده و از طرفی واحدهایی که مستحق دریافت امکانات هستند از دسترسی به آنها محروم شده‌اند (همان، ۳۷-۳۸).

ارزیابی فساد کلان بعد از سال‌های ۱۳۵۷ در ایران

بزرگترین آفتی که بعد از انقلاب اسلامی سمپاشی نگردید آفت ساختار اداری بوده و هست. ارادت‌سالاری در خلال این سال‌ها بر بخش‌های عظیمی از حوزه تصمیم‌گیری به صورت یک مشکل اساسی به چشم می‌خورد. در عرصه تصمیم‌سازی و مکانیسم اداری باتوجه به ساختار فرهنگی

شایسته‌سالاری و بایسته‌سالاری زبینه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. ما در سال‌های بعد از ۱۳۶۷ افرادی را در پست‌ها بکار گرفتیم که به عنصر شایستگی توجه زیادی نکرده‌ایم. وقتی ما می‌خواهیم یک کشور پیشرفته داشته باشیم الزاماً می‌بایست مدیران ما از تعهد و تخصص برخوردار باشند نه اینکه یک وزیر دارای دیپلم باشد و بعداً مدرک کارشناسی بگیرد. مدیریت کلان کشور واگنی بوده است، باید توجه داشت که متولی هر سازمان طالب افراد شایسته و بایسته به خود است ولی ما در عصر سازندگی مسائل فوق، مدیریت‌های مناسب و ... به تصویر نکشیدیم (جعفری، ۱۳۸۲: ۱۳۶).

مسائل توسعه اقتصادی ایران

- محمدعلی جمال‌زاده در گنج شایگان دلایل عقب‌ماندگی اقتصادی ایران را چنین برمی‌شمارد:
- ۱- مسئولان ایرانی نمی‌دانند که چگونه کشور باید به سمت پیشرفت حرکت کند و توسعه اقتصادی چگونه باید اتفاق بیافتد؛
 - ۲- رقابت نامیمون روس و انگلیس - عاملی که امروز تحت عنوان استکبار از آن یاد می‌کنیم؛
 - ۳- نبودن افراد بصیر و توانمند یا عدم‌استفاده از آنها -
 - ۴- فقدان ثبات سیاسی (جمال‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۰).

مشکلات اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

اقتصاددانان ج. ا. ایران درخصوص مشکلات موجود اقتصادی کشور در بخش‌های زیر اجماع کلی دارند:

فساد اقتصادی و رانت خواری

به واسطه انحصار دولت در اقتصاد کشور به شدت رانت‌ها را افزایش می‌دهد. فعالیت‌هایی مانند گرفتن کمیسیون، خرید و فروش کالاهای سهمیه‌بندی شده، خرید و فروش اجاره-نامه‌های واردات و صادرات، فعالیت‌های شبکه مالی غیررسمی بازار، فروش کالاها و خدمات دولتی به قیمتی بالاتر از حد تعیین شده و ... از پیامدهای انحصارات دولتی است. طبق تخمین‌های موجود، اقتصاد زیرزمینی ناشی از انحصارات دولتی نزدیک به ۲۵ درصد اقتصاد را در برمی‌گیرد. رشد اقتصاد زیرزمینی از یکسو موجب گسترش فساد اقتصادی و اجتماعی می‌شود و از سوی دیگر مدیریت اقتصاد را دشوار می‌کند. رشد اقتصاد زیرزمینی موجب کاهش درآمد مالیاتی دولت و لذا افزایش کسری بودجه، افزایش بدهی‌های دولت و روی آوردن به چاپ اسکناس برای تأمین کسری بودجه، کاهش سرمایه‌گذاری و در نهایت نرخ رشد اقتصاد می‌شود (سیف، پیشین: ۷۸).

در اقتصادهای متمرکز و یا به عبارتی اقتصاد پنگوئنی حکومت در تمامی عرصه‌های اقتصادی حتی واردات و صادرات نقش اساسی دارد. و این امر باعث می‌شود قبل از آنکه قیمت کالایی بطور رسمی اعلام گردد توسط ویژه-خواران حکومتی آگاهی یافته و آنها یک شبه ره چند ساله ثروت‌اندوزی را طی می‌نمایند. اقتصاد اکثر کشورهای خاورمیانه‌ای از جمله ایران رانته است. علیرضا ازغندی در کتاب درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران می‌نویسد که ج. ا. ایران یک دولت رانت‌خواری است که در عرصه‌های اقتصادی حضور دارد، بنابراین پایه و اساس نابسامانی‌های اقتصادی در هر کشوری فضای رانته هست که ایجاد شده و در این فضا بخشی از نخبگان حکومتی حضور دارند و این

۱- نبود تحرک و پویایی در تولید کل و سرانه، به مشکلات تبعی زیر منجر شده است:

کاهش نسبی تشکیل سرمایه، افزایش بیکاری، فقر گسترده، تعمیق عقب‌ماندگی بافت فنی تولید؛

۲- ساختار نامناسب تولید، در حوزه‌های زیر نمایان است:

گسترش نامتناسب بخش خدمات، دوگانگی شدید ساختار تولید، وابستگی تولید به خارج، وابستگی مصرف به خارج؛

۳- عدم تناسب سیاست‌های پولی و بانکی؛

۴- مشکل اداری - اجرایی (دولت): نبود مبانی نظری از پیش شده در زمینه حدود و نحوه دخالت دولت در اقتصاد، ناکارایی بخش دولتی (سیف، ۱۳۹۱: ۲۸-۲۷).

در نگاه دیگری به اقتصاد کشور از مشکلات زیر نام برده شده است:

الف) رشد اندک و پرنوسان اقتصادی؛ ب) توزیع نابرابر ثمرات رشد؛ ج) شکاف فناورانه با دنیای پیشرفته؛ د) رقابت‌پذیری اندک اقتصاد ایران؛ ه) تخریب منابع طبیعی؛ ز) بیکاری گسترده نیروی کار (زنوز، ۱۳۸۸: ۳۰-۱۹).

اقتصاد ایران یک اقتصاد غیرشبکه‌ای می‌باشد، این اقتصاد به دلیل آفات متعددی که در بالا به آن اشاره شده به لحاظ سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی با چالش‌هایی مواجه می‌باشد این چالش‌ها برآمده از مدیریت‌های ناتوان اقتصادی با تأکید بر سال‌های ۱۳۶۸ تاکنون می‌باشد. بطوریکه ما نتوانستیم تنگناهای اقتصاد ایران را مدیریت کنیم. سال-های سال درآمدهای بادآورده نفتی در ایران نتوانست از طریق مدیریت اقتصادی توانمند تبدیل به سرمایه ملی و در نهایت رفاه ملی شود اقتصاد ایران روز به روز سیاست‌زده شد بطوریکه اسکله‌های غیرقانونی از اسکله‌های قانونی پیشی گرفتند.

زامداری روسای جمهور ما نتوانستیم گستره رشد و پیشرفت و توسعه را نهادینه نمائیم.

از نگاه برخی از اقتصاددانان نقش سیستم مالی در رشد و توسعه آنقدر با اهمیت است که بدون معماری مناسب سیستم مالی و اجرایی دقیق آن شانس برای اثربخشی بخش مالی در توسعه کشورهای توسعه‌نیافته وجود ندارد. مشکلات سیستم مالی در ایران به شرح زیراند:

- ۱- عدم تنوع در ابزارهای تأمین مالی در بازار سرمایه و توجه عمده مشتریان به تأمین مالی در بازار پول؛
- ۲- عدم وجود سیستم اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اشخاص حقیقی و حقوقی؛
- ۳- عدم تنوع در ابزارهای تأمین مالی در بازار سرمایه؛
- ۴- دخالت دولت در بازار مالی و بالا بودن سررسید گذشته و معوق نظام بانکی؛
- ۵- عدم توسعه و تعمیق بازار سرمایه و اتکا صرف به منابع بانکی؛
- ۶- ضعف دانش مدیریت جریان نقدینگی واحدهای تولیدی؛
- ۷- فقدان انگیزه کافی بنگاه‌ها برای تأمین مالی از طریق بازار سرمایه به دلیل پایین بودن نرخ تسهیلات بانکی؛
- ۸- کم بودن میزان سرمایه‌گذاری خارجی، بازارهای مالی توسعه‌نیافته؛
- ۹- ضعف قانونی در ایجاد بستر مناسب برای توسعه روش‌های تأمین مالی، آزادی عمل پایین به دلیل چارچوب‌های مقرراتی، دخالت دولت در عملکرد بانک‌ها (دژپسند، ۱۳۹۲: ۱۹۱).

برخی از صاحب‌نظران فرآیند رشد و توسعه‌یافتگی را زاویه اقتصادی می‌دانند بطوریکه ساموئل هانتیگتون در کتاب

امر رژیم‌های تحصیل‌دار را در اداره اقتصاد با مشکلاتی مواجه می‌کنند.

مشکلات سیستم مالی ایران

حسین عظیمی در مباحث نوسازی و توسعه بر این باور است زمانی ما می‌توانیم وارد چنین عرصه‌ای شویم که با داشتن خانه‌ی سنتی در کنار آن یک خانه مدرن احداث نمائیم، عظیمی بر این باور است اگر غرب توانست به توسعه دست یابد سنت را نابود نکرد بلکه هنر متفکران غربی تلفیق سنت و مدرن بود. بر این اساس مشکل ساختار سیاسی اقتصادی ایران در ورود به نوسازی عدم توازن‌سازی بین عناصر ساختاری قدرت در خلال سال‌های متمادی بوده است نخبگان حکومتی در آشتی بین سنت و مدرن ناتوان مانده‌اند و استراتژی‌های چند ساله قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن نتوانسته در قالب برنامه‌های پنج‌ساله این فاصله را کاهش دهد، نخبگان حکومتی در خلال چندین دهه هر یک نگرش‌های رشد و توسعه را بنابر دیدگاه خود ارائه داده‌اند بطوریکه در یک مقطع ما شاهد نوسازی شتابان ایران و رسیدن به دروازه‌های تمدن و ساختارهای رشد یابنده توسعه همچون سوئیس می‌باشیم. اما پس از انقلاب براساس نظریه‌های رشد و توسعه که توسط نخبگان حکومتی ارائه گردید می‌خواهند مدل‌هایی چون کره جنوبی و ژاپن داشته باشند، این امر نشان می‌دهد ما در دستیابی به مدارهای رشد و توسعه عزم جدی نداشته و ما را با بحران سیاست‌گذاری در قبل و پس از انقلاب مواجه کرده است بطوریکه در خلال چند سال

اطلاعات درگیر هستند. فقدان استراتژی و نقشه جامع سرمایه‌گذاری در امر هدایت سرمایه‌گذاران منجر به یکی از معضلات اساسی اقتصاد کشور که همان رشد بی‌رویه بخش خدمات و فعالیت‌های غیرمولد به اشکال گوناگون می‌باشد شده است. بخش خدمات نه تنها در خدمت بخش‌های تولیدی کشور قرار نگرفته است، بلکه به عنوان رقیب این بخش موجب انتقال سرمایه‌ها به بخش غیرمولد شده است (میرزاوند، پیشین: ۱۵). در بررسی سیاست‌گذاری عمومی برای حوزه‌های اقتصادی از آنجائیکه منابع کشورهای نفتی به صورت غیرمستمر می‌باشد و براساس نوسانات سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دچار کاهش و افزایش می‌گردد از یک خط‌مشی سیاست‌گذاری مشخصی برخوردار نمی‌باشد (مظفری‌خامنه‌ب)، پیشین: ۳۰).

متناسب بودن شرایط خروج سرمایه از کشور

فرار سرمایه پدیده‌ای است که در شرایط عدم اطمینان و یا وجود ریسک‌های بالا در اقتصاد به وقوع می‌پیوندد. فرار سرمایه به جز آن قسمتی که در آموزش به کشور باز می‌گردد به معنای کل جریان خروجی سرمایه خصوصی است، پس فرار سرمایه جزئی از جریان خروج سرمایه است (دوانی، ۱۳۷۹: ۶۵). برای انتقال سریع منابع رانتهی در کشورهای خاورمیانه محدودیت‌هایی وجود ندارد. کشورهای منطقه از جمله ایران بهشت پول‌شویی است. بنابراین از آنجائیکه پول‌های کثیف در داخل کشورهای خاورمیانه تپه‌پیر می‌گردد به آسانی قابل انتقال به خارج از کشور می‌باشد و این امر به منابع اقتصاد کشور لطمه وارد می‌کند.

سامان سیاسی، توسعه اقتصادی را مقدم بر دیگر ساختارهای توسعه می‌داند. محمود سریع‌القلم اولویت توسعه فرهنگی، موسی غنی‌نژاد توسعه اقتصادی را ارجح بر زوایای دیگر توسعه می‌داند، بر این اساس مهمترین عاملی که می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی به عنوان پیش‌درآمد توسعه کمک نماید فسادزدایی از ساختار اقتصادی است، معماران اقتصاد در ایران نتوانستند رانت‌های اقتصادی را کاهش دهند و به ثبات اقتصادی دست یابند، این امر شرایط امروز نیست بلکه وارث تصمیمات اقتصادی فسادآفرینی بوده که از گذشته شروع شده و تا امروز ادامه دارد. در گذشته وزرای کابینه‌های عصر پهلوی به جای آنکه در عرصه اقتصاد تصمیمات مقتضی را اتخاذ کنند خود وارد معاملات اقتصادی شده و این امر نیز پس از انقلاب تداوم یافته است. وزرای اقتصادی که به جای برنامه‌ریزی، مقاطعه کار کردند زمینه برای فساد اقتصادی فراهم می‌گردد. در هر کشوری فساد نهادینه شود اولین عنصری که آسیب می‌بیند بنیان‌های رشد و توسعه به معنای عام است زیرا در فضای ساختاریزه شده فساد اقتصادی انگیزه برای سرمایه‌گذاری وجود نخواهد داشت.

فقدان استراتژی معین و ستاد تصمیم‌گیری

مشخص در عرصه اقتصاد

در حال حاضر تشکیلات و نهادهایی که در ارتباط با بخش اقتصاد در کشور فعالیت می‌کنند مجموعه‌ای منسجم و یکپارچه نیستند. بطوریکه براساس برآوردهای انجام شده بیش از ۵۰ نهاد دولتی با درجات مختلفی از فعالیت در امور اقتصادی نظیر برنامه‌ریزی، نظارت، اجرا و تولید آمار و

و مداخله حکومت‌ها در فرآیند تولید زیاد می‌باشد همگی به مخاطره‌آمیز بودن فضای سرمایه‌ای کمک می‌نماید، سرمایه به جای آنکه در این کشورها برای خود جذابیت را ایجاد نماید به سمت دافعه می‌رود. بطوریکه در یک فضای بی-ثباتی سیاسی ما شاهد خروج سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه می‌باشیم، نکته مهم آن است که خاورمیانه مستعد بحران‌های امنیتی زیادی است بطوریکه در برخی از کشورها امنیت ملی را از داخل و خارج مورد تهدید قرار می‌گیرد و این امر باعث شده است که ریسک سرمایه‌گذاری در اکثر کشورها سه رقمی باشد (برگرفته از جزوات و مباحث کارشناسی ارشد دکتر انوش جعفری).

تأثیر نفت بر گسترش بیش از حد مخارج دولت و

بی‌ثباتی سیاست مالی

نحوه تأمین مالی مخارج دولت و نحوه هزینه آن، اثر خالص مخارج دولت بر تولید و رشد اقتصادی در بلندمدت را تعیین می‌کند. در اقتصاد ایران بخش عمده‌ای از مخارج دولت توسط درآمدهای نفتی تأمین مالی شده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که اثرات برون‌رانی مخارج دولت در ایران محدود بوده است، اما در مقابل نحوه تخصیص مخارج دولت در اقتصاد ایران چندان کارا نبوده و دولت مخارج زیادی را در بخش‌هایی صورت داده است که بخش خصوصی قادر به انجام آنها بوده است. از آنجا که این دو اثر یکدیگر را خنثی می‌نمایند، می‌توان انتظار داشت که مخارج دولت اثر قوی بر رشد بلندمدت اقتصاد ایران نداشته باشد. اما در افق زمانی کوتاه‌مدت، نوسانات مخارج دولت از اهمیت بالایی برای رشد اقتصادی برخوردار است. از آنجا

در بیان علل اقتصادی فرار سرمایه می‌توان به علل زیر اشاره کرد:

۱- افزایش تورم داخلی نسبت به تورم خارجی و افزایش نرخ ارز موجبات تشدید جریان خروجی سرمایه را فراهم می‌آورد.

۲- اگر نرخ بهره داخلی از بهره خارجی کمتر باشد یا نرخ بهره داخلی از نرخ تورم داخلی کمتر باشد یا سودهای مورد انتظار در خارج بیشتر از سودهای مورد انتظار در داخل باشد.

۳- اختلاف بالای ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی باعث فرار سرمایه می‌شود (مظفری‌خامنه‌الف)، (۱۳۸۴: ۳۱).

بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

شاخص ریسک هر کشور در واقع بیانگر اوضاع کشور از لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و نشان می‌دهد تا چه میزان می‌توان به سرمایه‌گذاری در یک کشور و بازگشت اصل و سود آن اعتماد داشت. در کشوری که ریسک بالا وجود دارد، هزینه‌های سرمایه‌گذاری و نرخ‌های بیمه نیز بالاست. بنابراین بازدهی نهایی سرمایه‌گذاری در اینگونه کشورها علیرغم توجیه اقتصادی کمتر است (همان، ۳۲). یکی از شرایط سرمایه‌گذاری توسط مدیران اقتصادی قبول ریسک است اما خاورمیانه به دلیل برخوردار بودن از ضریب ناامنی ملی از خطرپذیری سرمایه‌گذاری بیشتری برخوردار است، سرمایه به دنبال مکانی است که در آن ریسک کمتر و سود بیشتر باشد بر این اساس در خاورمیانه‌ای که نرخ بهره‌های بانکی بالا، نوسانات ارزی زیاد

گسترده است. در واقع اقتصادهای منطقه به جای آنکه رقیب و جانشین یکدیگر باشند، باید به عنوان مکمل اقتصادی یکدیگر عمل کنند (روحانی، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۷).

نقاط ضعف و تهدیدهای اقتصادی کشور

- ۱- از لحاظ جغرافیای سیاسی دارای سیستم سیاسی بسیط و متمرکز است و تمرکزگرایی که خود، ریشه بسیاری از نابسامانی‌ها است، ویژگی ذاتی چنین ساختاری است؛
- ۲- از لحاظ اقتصادی، ساختار تک‌پایه‌ای و متکی به منابع طبیعی، فرایند تمرکزگرایی را حمایت نموده است به این ترتیب، فرایند دوگانه مذکور (تک‌پایه‌ای و تمرکزگرایی)، دولتی را بازتولید می‌کند که بسیار فربه، دارای ساختار اقتصادی - سیاسی از بالا به پایین و بوروکراسی بسیار گسترده و پیچیده است؛
- ۳- ماهیت دولت بگونه‌ای است که در شرایط استنباط درآمدهای نفتی، خود را توسعه می‌بخشد و در شرایط انقباض درآمد با تمام قوا و به هر قیمتی برای حیات اجزای خود تلاش می‌کند. درآمدهای نفتی نیز مانند خونی در شریان اجزای آن جریان می‌یابد، هرگونه اصلاح امور در این فرآیند به سادگی میسر نبوده و مستلزم عزم ملی بلند می‌باشد؛
- ۴- در عرصه بین‌الملل، پیشرفت‌های شگرف فنی و تکنولوژیکی در زمینه‌های مختلف تولید کالا و خدمات، توسعه دانش و ابزارهای نظامی، توسعه بازارهای مالی و تجاری و ظهور پدیده جهانی‌سازی، عرصه حاکمیت دولت‌های ملی را تنگ‌تر کرده و از نظر سیاسی آنها را به چالش طلبیده است. با ظهور انقلاب اسلامی و تغییر جایگاه نسبی

که مخارج دولت یکی از مهمترین اجزای تقاضای کل اقتصاد است، بنابراین روشن است که بی‌ثباتی مخارج دولت از طریق بی‌ثباتی بر تقاضای کل، به بی‌ثباتی تولید و رشد اقتصادی در کوتاه‌مدت می‌انجامد (دژپسند، پیشین: ۱۸۲).

آثار نفت و آسیب‌پذیری آن بر اقتصاد ایران

- الف) وابستگی به اقتصاد تک‌محصولی معمولاً با ضعف تولید داخلی همراه می‌شود. بدین معنا که تنوع اقلام وارداتی زیاد، ولی اقلام صادراتی بسیار محدود بوده و در این وضعیت، اقتصاد در شرایط آسیب‌پذیری بالایی قرار می‌گیرد. چنین اقتصادی می‌تواند دائماً در شرایط خاص، در معرض تحریم‌های اقتصادی و تحت کنترل تجارت خارجی کشور قرار گیرد. نفت و گاز دو کالای استراتژیک و موردنیاز کشورهای مسلط هستند و کشورهای مسلط، درصدد دخالت در امور داخلی کشورهای نفت‌خیز بوده و خواهند بود.
- ب) قدرت‌های صنعتی غرب، برای امنیت انرژی خود معمولاً از رهگذر ضعف و ناامنی‌ها در کشورهای نفتی و به خصوص منطقه خلیج فارس تلاش می‌کنند. زیرا برقراری امنیت کامل در یک منطقه، نیازمند دو پیش‌فرض است: توسعه اقتصادی در کل منطقه و استقرار نظام‌های دموکراتیک، به عنوان مثال کشورهای منطقه باید برای حل مشکلات خود صاحب فناوری ارزش افزوده شوند.
- ج) ظاهراً وابستگی دنیا به نفت خلیج فارس در حال افزایش است. هرچه میزان این وابستگی بیشتر شود، ناامنی در منطقه، نیز افزایش خواهد یافت. امنیت دسته جمعی ایجاد می‌کند که روابط کشورهای منطقه، توسعه یابد و توسعه روابط، نیازمند تحکیم روابط اقتصادی در زمینه‌های



گذاری، مهمترین عامل پیدایش رکود اقتصادی و تداوم آن و در نهایت تشدید مشکلات و تنگناهای اقتصادی در کشورهای در حال توسعه می‌باشد (نوبخت، ۱۳۸۸: ۲۵).

۲- از طرف دیگر، باید توجه داشت تحرک و پویایی نیروی کار و ترکیب تولید همینطور ترکیب و بافت تخصصی نیروی کار، از عوامل موثر بر ظرفیت سرمایه‌گذاری‌ها محسوب می‌شود. لذا وجود عدم تعادل، منجر به عدم تحرک و ساختار تولید نامناسب شده که خود افزایش بیکاری، عقب‌ماندگی بافت فنی تولید و فقر گسترده را در بردارد و عاملی در جهت محدود نمودن ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری و تشدید توسعه‌نیافتگی و تنگناهای اقتصادی جامعه می‌گردد (روحانی، پیشین: ۶۶).

مهمترین منبع درآمد ایران نفت است، همینکه می‌گوییم نفت مهمترین منبع درآمد ماست، به یک بیماری تاریخی در این مملکت اشاره می‌کنم نفت که نباید درآمد ما باشد. ما باید از طریق مالیات، عوارض، ارزش‌های افزوده و صادرات درآمد کسب کنیم. نفت دارایی ماست، سرمایه ماست اگر کسی سرمایه خود را به جای اینکه به کار بگیرد، در ظرف مدت کوتاه یا بلند صرف کند و تهیدست بشود، انسان مدبر و عاقلی نیست. نفت دارایی است آن هم دارایی‌ای که میلیون‌ها سال طول کشیده تا در اختیار بشر قرار گرفته است. حالا نسل‌ها در حال مصرف کردن سرمایه‌ای است که به یک نسل تعلق ندارد. حتی اگر نفت دارایی این نسل هم بود، نمی‌بایست ما به عنوان درآمد مصرف‌اش می‌کردیم. ما باید نفت را دارایی به حساب بیاوریم. دارایی را باید سرمایه‌گذاری کرد و از درآمد آن امکانات زندگی را فراهم کرد یعنی نفت ما باید فقط صرف

ایران و مواضع جمهوری اسلامی نسبت به نظام دوقطبی جهان و پس از آن در زمان جنگ سرد و نیز پس از فروپاشی شوروی، روند سریع تحولات در منطقه حساس خاورمیانه از یک‌طرف و فقدان استراتژی منسجم از طرف دیگر، مانع آن شده تا کشور به تعادل جدیدی دست یابد و به عبارت دیگر جایگاه کشور در نظام مدرن ژئوپلیتیک جهانی از پایداری لازم برخوردار نیست؛

۵- از لحاظ سیاسی، فروپاشی نظام پادشاهی در ایران پیامدهای شگرفی به همراه داشته است. خلاء قدرت ناشی از سقوط رژیم گذشته و کثرت توطئه‌ها و جاه‌طلبی‌های دشمنان و برخی همسایگان، ایران را درگیر جنگی طولانی ساخت. در داخل کشور نیز نظام جایگزین از سابقه تاریخی و تجربه لازم برخوردار نبود و اگر نبود تلاش بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در استقرار نهادهای جدید، ما امروزه با چالش‌های بزرگتری مواجه بودیم (همان، ۷۸).

مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور

۱- عدم تحرک و پویایی در تولید کل سرانه کشور که نتیجه وجود یک رکود اقتصادی گسترده در کشور از سال‌های ۱۳۵۸ تا به حال بوده است یکی از اساسی‌ترین این تنگناها در مقطع کنونی می‌باشد. افزایش بیکاری اعم از آشکار و پنهان فقر اقتصادی و عقب‌ماندگی تولید از نظر فنی و فرسودگی تجهیزات و ماشین‌آلات، ساختار نامناسب تولید، گستردگی سهم بخش خدمات در کل تولید ملی و وابستگی شدید تولید به دنیای خارج، همه و همه ویژگی‌های توسعه‌نیافتگی اقتصاد کشور می‌باشد. براساس برخی تئوری‌های نوین اقتصادی، محدودیت ظرفیت‌های سرمایه-

سرمایه‌گذاری‌های اساسی و زیربنایی در کشور بشود، برای اینکه برای سرمایه‌گذارهای روبنایی ما نمی‌توانیم فقط به نفت متکی باشیم. نفت به هر حال یک تجدید ناشونده و تمام شونده است (خاتمی، ۱۳۷۹: ۲۴۷).

سرمایه‌گذاری بخش دولتی به عنوان زیرساخت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعداد قوانین انعطاف‌پذیری و وجود ریسک بالا، از موانع گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌باشد. سرمایه‌گذاری در اغلب کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، به وسیله بخش خصوصی و دولتی انجام می‌گیرد. اما در ایران موضوع سرمایه و سرمایه‌گذاری به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی و بی‌ثباتی قیمت آن و بالا بودن ریسک همواره با مشکلات فراوانی همراه بوده و به همین دلیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نیز نوسان‌های شدید داشته است. افزایش سلطه دولت بر اقتصاد ممکن است به انحراف اقتصاد، اوضاع نامناسب کسب و کار و عدم تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی منجر می‌شود یا اینکه دولت می‌تواند با فراهم کردن زیرساخت‌های قانونی و حقوقی، سرمایه‌گذاری را در بخش مالی و انسانی تشویق کند (تصدیقی و همکاران، بی‌تا: ۳۳-۳۲).

موانع خصوصی‌سازی در ایران

شکست‌های جدی دولت در امر خصوصی‌سازی طی دو برنامه اول و دوم توسعه کشور، دولت سید محمد خاتمی را بر آن داشت تا پس از واگذاری بیش از دو هزار واحد دولتی به بخش خصوصی برای جبران وقایع تلخ گذشته به آسیب‌شناسی این فرآیند دست بزند. از اینرو دولت مشکلات واگذاری واحدهای تولیدی تحت تصدی خود را مواردی چون ناکارایی بازار سرمایه، وجود مقررات دست و پاگیر، عدم تطبیق قانون مالیات‌ها یا وضعیت فعلی کشور برای جذب سرمایه‌گذاری، انقباض عمل کردن بانک‌ها، عدم

سرمایه‌گذاری‌های اساسی و زیربنایی در کشور بشود، برای اینکه برای سرمایه‌گذارهای روبنایی ما نمی‌توانیم فقط به نفت متکی باشیم. نفت به هر حال یک تجدید ناشونده و تمام شونده است (خاتمی، ۱۳۷۹: ۲۴۷).

مشکلات و تنگناهای خصوصی‌سازی ایران

این تنگناها از این قراراند:

۱- ساختار مالی ناسالم شرکت‌ها، به دلیل زیان‌دهی مستمر و طولانی‌مدت و بدهی‌های سنگین مالیاتی و بانکی و ناکافی بودن سرمایه پرداخت شده؛

۲- عدم تجانس سیستم‌های مالی و نیروی انسانی شرکت‌ها و حجم فعالیت‌های جاری؛

۳- طولانی بودن تشریفات مربوط به پذیرش شرکت‌ها در بورس سهام؛

۴- عدم وجود تقاضای کافی برای خرید سهام به دلیل:

۴-۱- عدم وجود نقدینگی کافی نزد خریداران و ناممکن بودن استفاده از تسهیلات مالی بانک‌ها؛

۴-۲- شرایط نامناسب محیطی، علیرغم اعلام سیاست‌های دولت در زمینه تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی؛

۴-۳- نگرانی از عوارض اجرای قانون کار و سهام کارگران، حمایت‌های وسیع در قانون کار در مورد حقوق کارگران، این قانون را به عنوان یک عامل محدود کننده برای اداره اقتصادی شرکت‌ها تبدیل کرده باید اذعان داشت که این قانون از عوامل بازدارنده سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به حساب می‌آید.

۵- ابهامات فراوان پیرامون سرمایه‌گذاری خارجی (بصیری، ۱۳۷۲: ۱۸۶).



۲- اتخاذ سیاست‌های لازم برای کنترل نقدینگی در کوتاه-مدت و هدایت جامعه به طرف الگوی متعادل‌تر توزیع درآمد و ثروت در میان‌مدت؛

۳- سرمایه‌گذاری وسیع دولت در امر تولیدی و زیربنایی و هدایت منابع بخش‌های غیردولتی به این سرمایه‌گذاری‌ها؛

۴- کنترل شدید بخش خدمات و بویژه بازرگانی- داخلی و خارجی از طرف دولت و ایجاد زمینه‌های وسیع‌تر برای سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی در زمینه‌های تولید کالایی؛

۵- تدوین و اجرای ضوابط دقیق کنترل کیفی سرمایه-گذاری در بخش عمومی؛

۶- تدوین و اجرای سیاست‌های کنترل و تثبیت قیمت مشتمل بر ادامه و تقویت نظام توزیع عادلانه کالا، تقویت واحدهای بزرگ بازرگانی تحت پوشش بخش عمومی، کار او عادلانه نمودن نظام مالیاتی؛

۷- حل مشکلات نظام اجرایی کشور (نظام اداری، بانکی، پولی و مالی و ...).

راهبردهای اصلی برای توسعه

۱- بازسازی و اصلاح بخش دولتی: (اصلاح نظام اداری- کاهش نقش دولت)؛

۲- تجدیدنظر در سیاست‌های حمایتی پیشین و منطقی ساختن تصمیمات اقتصادی: (تعدیل نرخ ارز- لغو نظام قیمت‌گذاری)؛

۳- تجدیدنظر در قوانین ناظر بر فعالیت‌های اقتصادی: (حذف مراحل پیچیده و موانع بوروکراتیک به منظور تشویق سرمایه‌گذاری خارجی اصلاح قوانین کار و مالیات به منظور ایجاد تحرک در بازار و تشویق سرمایه‌گذاری‌ها)؛

نگرش صحیح بخش خصوصی به بخش دولتی و انتظارات غیرمعقول آن از دولت، عملکرد نادرست برخی مجریان و عدم امنیت برای مجریان فعال در خصوصی کردن واحدهای دولتی، اعلام کرد. در ایران به علت عدم ثبات سیاسی، اقتصادی، رقابت دولت با بخش خصوصی و سازوکارهای سیاسی گروه‌های موثر بر اقتصاد کشور هیچگاه مالکیت خصوصی آن هم از نوع امن و پایدار به وجود نیامده است. لذا چنین فقدان همواره در ایران پروژه‌های خصوصی را به شکست جدی کشانده است (صفازاده، ۱۳۸۱: ۴۷).

بهره‌گیری از امکانات غیرنفتی در راه توسعه ایران

باید مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را مدنظر قرار دارد. ساختار اقتصادی ما بیمار است، لذا باید با کار علمی و همه‌جانبه مسأله را حل کرد. اگر رونق صادرات گامی به سوی رونق اقتصاد باشد، دولت باید این گام را بردارد. نفت و منابع عمومی ایران محدود است. البته اگر در مملکت ما رونق اقتصادی باشد و عوارض و مالیات منطقی و منصفانه هم پرداخت شود، خیلی از مشکلات حل می‌شود. ما هنوز از امکانات وسیعی که در صنعت گردشگری یا به قول امروزی‌ها توریسم وجود دارد، استفاده نکرده‌ایم.

فرآیند توسعه اقتصادی کشور، شکوفایی تولید، ایجاد اشتغال و رفع فقر و محرومیت در گرو اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های که اهم آنها به شرح زیر است:

۱- هدایت موثر اقتصاد جامعه توسط دولت و در جهت شکوفایی تولید با تکیه بر استفاده از تمامی منابع جامعه؛

بهینه درآمدهای نفتی است. بسیاری از اندیشمندان توسعه در کشورهای نفت‌خیز، نفت را به مثابه بلائی سیاه و نه طلای سیاه می‌دانند؛ با این استدلال که درآمدهای نفتی باعث سرخوشی نفتی دول عضو گردیده، عمده درآمدها به سوی مصرف و مصرف‌گرایی سوق داده شده و کمتر جهت سرمایه‌گذاری پیدا نموده است.

یکی از پیامدهای اقتصاد نفتی، بروز بیماری هلندی است که باعث عدم تعادل در بخش‌های مختلف اقتصاد می‌گردد. نتیجه بروز بیماری هلندی، کاهش صادرات کالاهای صنعتی در برابر صادرات منابع طبیعی از یکسو و در برابر واردات از سوی دیگر است. همچنین این پدیده، گسترش بخش خدمات و فعالیت‌های غیرتولیدی در برابر بخش‌های مولد اقتصاد یعنی کشاورزی و صنعت را در پی دارد. یکی از مسائل بنیادین عرصه حکومت‌داری در دنیای حاضر، موضوع توسعه و توسعه‌یافتگی می‌باشد. به عبارت دیگر، شناخت دلایل عقب‌ماندگی و یا توسعه‌یافتگی و نیز راه‌های مواجهه موثر با آنها، از جمله دغدغه‌های دولت‌ها بوده است. توسعه، مفهومی متکثر و چندوجهی است که متضمن تغییر در جهت ارتقای وضعیت موجود است. تکثر مفهومی توسعه، سبب شده نوعی تنوع در طبقه‌بندی و نحوه اولویت‌بندی این وجوه در ادبیات توسعه مشاهده شود و دامنه آن از مسائلی مانند رشد اقتصادی، افزایش سطح رفاه، بهبود ساختارهای سیاسی، توسعه اجتماعی، فرهنگی، توسعه انسانی، برابری، توسعه پایدار و ... را شامل گردد برخی توسعه را هدفی فی‌نفسه ارزشمند و تحقق آن را بر پایه ارزش‌های هر کشور متفاوت دانسته‌اند که دموکراسی می‌تواند یکی از وسایل مهم تحقق آن تلقی شود.

۴- سرمایه‌گذاری در تقویت نرم‌افزارهای توسعه: (سرمایه‌گذاری در تربیت مدیران توانمند- تجهیز نیروی انسانی متخصص)؛

۵- اصلاح وضعیت شرکت‌های دولتی: (بازداشتن شرکت‌های دولتی از اهداف غیراقتصادی- ایجاد محیط رقابتی برای شرکت‌های دولتی)؛

۶- تقویت بازار سرمایه: (ایجاد رقابت در بازار سرمایه- مجاز شمردن فعالیت بخش خصوصی در امور بانکی و مالی)؛

۷- ایجاد مناطق آزاد تجاری و صنعتی: (ایجاد مناطق آزاد تجاری- تدوین مقررات ویژه مناطق آزاد از جمله قانون مالیات)؛

۸- توسعه صادرات: (اعمال سیاست‌های تشویقی از جمله، معافیت مالیاتی و گمرکی- ایجاد مناطق ویژه تولید در حاشیه مرزها)؛

۹- خصوصی‌سازی بنگاه‌های دولتی: (واگذاری شرکت‌های صنعتی دولتی- فروش بانک‌های دولتی)؛

۱۰- برون‌گرایی و حضور فعال در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی: (امضاء موافقتنامه‌های متقابل تضمین سرمایه‌گذاری با کشورهای مختلف جهان) (شلالوند، ۱۳۷۵: ۳۴).

نتیجه‌گیری

آنچه در مباحث مدیریت توسعه کشورهای نفت‌خیز مهم به نظر می‌رسد، چگونگی اختصاص دادن درآمدهای حاصل از صادرات نفت می‌باشد. سرریز شدن مستقیم درآمدهای ناشی از صادرات نفت به خزانه و اختصاص دادن آنها در قالب طرح‌های اجرایی و جاری به جای افزایش سهم بودجه عمرانی و سرمایه‌ای یکی از مشکلات بر سر راه مصرف



فهرست منابع

- ۱۶- شلالوند، عبدالعلی (۱۳۷۵)، «ده راهبرد داخلی توسعه و نتایج در ده کشور جهان»، مجله تدبیر، ش ۶۱.
- ۱۷- صفارزاده، غلامرضا (۱۳۸۱)، «موانع خصوصی سازی در ایران»، ماهنامه تدبیر، ش ۱۲۹.
- ۱۸- مظفری خامنه (الف)، فرشید (۱۳۸۴)، «راهبردهای توسعه سرمایه گذاری در کشور»، روزنامه کیهان.
- ۱۹- مظفری خامنه (ب)، فرشید (۱۳۸۹)، «امنیت سرمایه گذاری و رشد اقتصادی»، ماهنامه تدبیر، ش ۱۲۰.
- ۲۰- موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۸۷)، توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، چ ۱۶، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۲۱- تصدیقی، بهروز و همکاران (بی تا)، «امنیت سرمایه گذاری»، فصلنامه مجلس و پژوهش، س ۱۳، ش ۵۲.
- ۲۲- میرزاوند، رهبر (۱۳۸۷)، بررسی موانع تشکیل سرمایه و سرمایه گذاری در بخش صنعت، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۳- نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۸)، گزارش نهایی طرح پژوهشی مطالعات تحریری و بنیادی الگوی مطلوب توسعه، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۹- دوانی، غلامحسین (۱۳۷۹)، پیامدهای فرار سرمایه و راههای جذب ایرانیان مقیم خارج، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- ۱۰- دینی، علی (۱۳۷۰)، توسعه، چ ۲، تهران: نشر توسعه.
- ۱۱- روحانی، حسن (۱۳۸۹)، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، چ ۲، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ۱۲- ریشه، گی (۱۳۸۳)، تغییر اجتماعی، مترجم: وثوقی، منصور، تهران: نشر نی.
- ۱۳- زنوز، هادی (۱۳۸۸)، اقتصاد ایران (نظرها و نقدها)، تهران: نشر توسعه.
- ۱۴- سوبوتینا، تاتینا (۱۳۹۰)، فراسوی رشد اقتصادی پیش درآمدی بر توسعه پایدار، مترجمان: محمدرضا سرکارآرانی، عباس معدن دارآرانی.
- ۱۵- سیف، علی (۱۳۹۱)، تولید مالی، چالش ها و راهکارها، تهران: دانشگاه دفاع ملی.